

دکتر احمد بهشتی

كودك ، از تمام حقوق مندرج در این اعلامیه، بهره‌مند خواهد بود. تمام كودكان ، بدون هیچگونه استثناء و تبعیض ، از نظر نژاد ، رنگ ، جنس ، زبان ، مذهب ، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر ، همچنین ملیت ، وضع اجتماعی ، ولادت ، ثروت و یا علل دیگر که مربوط به خود آنان و یا خانواده‌شان باشد ، از حقوق مندرج در این اعلامیه برخوردار میگردند .

(اصل اول از اعلامیه حقوق كودك)

منشا ظلمها و عدالت شکنی‌ها چیست ؟

کمتر کسی است که ستم و تبعیض را زشت و ناپسند نشمارد . حتی خود جنایتکاران هم این حقیقت را قبول دارند . بهمین جهت است که تبه‌کارها و جنایات خود را بصورت حق و عدالت ، وانمود می‌کنند .

علت این است که عدالت چیزی است که فقط مورد قبول عقل انسان است و اگر انسان - صرفاً - یک موجود عقلی بود و تمام کارها و حرکاتش زیر فرمان عقل ، صورت می‌گرفت ، هرگز کاری که مورد انکار عقل است ، انجام نمیداد ، زورگویی نمی‌کرد و از تبعیض و ستم خودداری می‌نمود .

در کشور وجود انسان ، غیر از عقل ، که برای

نفرین بر :

## نور چشمی های

### عدالت شکن !

عدالت را قربانی عفریت تعصبات

و عواطف مزاحم نکنید !

عدالت ، نزدیکترین راه به تقوی

است .

« قرآن کریم : سوره مائده آیه ۸۱ »



خود بر نامه‌ها و آئین نامه‌هایی دارد و می‌کوشد که آنها را اجرا کند و هیچ‌گونه چون و چرایی - که منشأی غیر از عقل داشته باشد - نپذیرد ، عواطف نیز دست در کار هستند و هرگز مایل نیستند حکومت عقل را گردن نهند و تحت فرمان او در آیند .

کوشش عواطف این است که زمام امور کشور و وجود انسان را بکف گیرند و تمام خواسته‌های خود را بر سر حله اجرا بگذارند .

شاید کسی فکر کند: چه مانعی دارد که وجود ما تجزیه شود و هر يك از عقل و عواطف برای خود دارای قلمروی جداگانه باشند و با تشکیل يك نوع حکومت فؤدالی و ملوك الطوائفی بدون مداخله در قلمرو یکدیگر بفعالیتهای خود ادامه دهند .

اما خود عقل و عواطف ، هرگز حاضر به امضای چنین پیمانی نیستند . حس توسعه طلبی آنها اینقدر شدید و نیرومند است که تنها در يك صورت ، رضایت خاطر آنها تأمین می‌شود و آن در موردی است که یکی در اوج قدرت و بر مسند حکمرانی مطلق قرار بگیرد و دیگری را مطیع و سر فرمان خود قرار دهد .

آری وجود ما یا در زیر نفوذ عقل است یا در زیر نفوذ عواطف . تصور نکنید هر گاه عقل یا عاطفه ، بر مسند حکمرانی نشست ، دیگری بطور کلی از کار می‌افتد و در کنج انزوا می‌نشیند . خیر ، هر کدام قدرت را بکف گرفت ، استعدادها و نیروهای دیگری را در راه تحقق بخشیدن مقاصد و اهداف خویش بکار می‌گیرد .

عقلی که تابع و تحت تأثیر عواطف باشد، ناگزیر است کوشش کند و عواطف را در رسیدن به اهدافی که دارد ، یاری کند . اینجاست که کار عقل بصورت نیرنگ و پشت هم اندازی و حتی سیاست - بهمان منای امروزیش - جلوه گرمی شود . جنایتکاران تر دست و سیاستمدارانی که برای ادامه حیات سیاسی و نفوذ و قدرت خویش، هر روز دست به نیرنگ تازه‌ای می‌زنند ، عاقلانی هستند که عقلشان محکوم عواطف و خودخواهی‌ها و شهوات است .

همین جهت است که علی (ع) فرمود: «بسا عقلی که اسیر و تحت فرماندهی هوی و هوس می‌باشد» (۱)

تمام زیانهایی که در گذشته و حال و آینده ، دامنگیر بشر شده و می‌شود ، از همین جا سرچشمه می‌گیرد . اعلامیه دادن و منتشر کردن ، در سطح مملکتی یا جهانی کاری است آسان و کم زحمت ، اما عمل کردن و بحکومت تنگین عواطف ، خاتمه دادن، کاری است دشوار و نیازمند تصمیم جدی و صریح .

هم «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و هم «اعلامیه جهانی حقوق کودک» حاکی از وجود يك آرمان بسیار مقدس ، در اعماق دلهاست هر دو اعلامیه ، بمنظور پایان بخشیدن بحکومت عواطف تعدیل نشده و محکوم ساختن تمام کارهایی است که فقط سرچشمه عاطفی دارند و گاهی هم جنون آسا صورت می‌گیرند .

البته وجود همین اعلامیه‌ها خود حاکی از

۱- وکم من عقل اسیر عند هوی امیر (نهج البلاغه فیض ۱۱۷۲)

عواطف را تعدیل کنند و حتی بر اصل و منشأ آنها یعنی «خودخواهی و خودپرستی» نیز تسلط یابند .

دین ، انسان را از خودپرستی بخدا پرستی می‌رساند . در این مرحله ، چنین نیست که انسان توجهی بخویشتن و وابسته‌هایش نداشته باشد . در این حالت ، همه عواطف ، در صورتیکه مزاحم عقل و مقررات آن نباشند بنحوی صحیح و رضایتبخش مورد احترام هستند و خواسته‌های آنها نیز اجرا می‌شود .

نخستین منبع تعلیمات اسلامی قرآن کریم است این منبع ، سرشار است از بر نامه‌های تعدیل عواطف و شکستن سدهایی که مانع حق و عدالت و انصاف هستند . قرآن کریم بهیچ وجه اجازه نمیدهد که انسان حق و عدالت را فدای خودخواهی و شهوت و کینه و مهرورزی بکند . (۱)

اهمیت موضوع است و می‌توان به بشریتی که تا به این مرحله - ولو دادن اعلامیه‌های جهانی - رسیده است تبریک گفت و او را دعوت کرد که برای اجرای مفاد این اعلامیه‌ها دست بکار شود .

تنها وسیله‌ای که می‌تواند عقل را با اختیارات تام بر مسند حکمرانی بنشاند و عواطف را هم درست در اختیار او قرار دهد ، ایمان است .

آنچه که انسان را به تبعیض و ستم و ادا نمیکند خودخواهی و خودپرستی است . این عاطفه نیرومند - ترین عواطفی است که سایر عواطف نیز تابع آن هستند . اگر انسان به زن و فرزند و خویشاوند و دوست و هموطن و هم مسلک و هم نژاد و وطن و ... توجه و علاقه دارد و بخاطر آنها کج رویها و تبعیض - هایی مرتکب می‌شود همه و همه زائیده و مولود خودخواهی و خودپرستی است . تنها افراد دیندار هستند که از برکت ایمان بخدا می‌توانند تمام این

۱- یکی از مواردی که ممکن است انسان اسیر عواطف خویش گردد و حق و عدالت را زیر پا گذارد ، گواهی دادن است . صرف نظر از اینکه قرآن کریم کتمان شهادت را منع فرموده است (سوره بقره آیه ۲۸۳) در دومورد دستور می‌دهد که درمسأله ادای شهادت باید فارغ از هر گونه عواطفی ، بوظیفه خویش عمل کرد . يك جا می‌فرماید : **يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط ولا يجرمنكم شنئان قوم على الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوى واتقوا الله ان الله خبير بما تعملون** « (مائده ۸۰) یعنی : ای مردمی که ایمان آورده‌اید ، در برابر خداوند پایدار باشید و بعدالت گواهی دهید و دشمنی فومی شمارا به بی‌عدالتی و ادا نکنند . عدالت کنید که نزدیکترین راه به تقوی است و خداوند به کردار شما آگاه است . در این آیه ، مردم مؤمن را موظف می‌کند که بخاطر عاطفه کینه و دشمنی ، عدالت را زیر پا نگذارند . در جای دیگر می‌فرماید :

**«يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط شهداء لله ولو على انفسكم او الوالدين والاقربين ان يكن غنيا او فقيرا فالله اولي بهما فلا تتبعوا الهوى ان تعدلوا و ان تلووا او تعرضوا فان الله كان بما تعملون خبيرا** « (نساء ۱۳۵) یعنی : وای مردمی که ایمان آورده‌اید ، بقیه پاورقی در صفحه بعد



### بهترین مقیاسها

از اینگونه مطالب که حاکی از مبارزه با بیعدالتی و تبعیض است ، در بیانات علی (ع) بسیار یافت می شود. بدیهی است که مصداق کامل آنچه گفته یا بدیگران نوشته ، خود اوست. در نامه ای به عثمان بن حنیف - عامل بصره - می نویسد:

« آیا بهمین اندازه قانع باشم که مرا امیر المؤمنین بگویند و در سختی های روزگار با آنها شریک نباشم و در چشیدن تلخی های زندگی نسبت به آنها پیشقدم و پیشتاز شمرده نشوم ؟! » (۳)

اما از آنجا که باید نسل نوحاسته را برای پذیرش چنین مرحله ای آماده ساخت و آنها را بحال خود نگذاشت ، در نامه ای که بفرزند گرامی

علی (ع) در ضمن وصیت بفرزندان خود میفرماید:

« حق بگوئید و برای دریافت پاداش اخروی عمل کنید و باستمکار ، دشمن و نسبت بمظلوم یار و مددکار باشید » (۱)

و به یکی از عمال خود می نویسد : از خدا بترس و اموال این مردم را به آنها بازگردان ، و اگر این کار را انجام ندهی تورا با همان شمشیری مجازات می کنم که هر کس با آن مجازات گردد ، داخل آتش خواهد شد ، و از این عمل نزد خدا معذورم ! بخدا اگر حسن و حسین رفتاری مثل رفتارتو داشتند ، با آنها مدارا نمی کردم و بوسیله من بخواهش خود دست نمی یافتند ؛ تاحق را از آنها می گرفتم و باطلی که بواسطه ستم ایشان ، واقع شده بود ، برمی انداختم (۲).

\*\*\*

دربار عدالت پایدار باشید و برای خدا گواهی دهید ، اگر چه بزبان خود شما یا پدر و مادر یا خویشاوندان باشد ، کسی که بزبان او شهادت می دهید ، اگر ققیمر یا غنی باشد ، خداوند بر عایت حال او از شما سزاوارتر است . بنابراین در جایی که باید براه عدالت بروید ، از هوی و هوس پیروی نکنید و اگر از عدالت روی بگردانید و اعراض کنید ، خداوند بگردار شما آگاه است . این آیه مؤمنان را ملزم می سازد که خودخواهی و غیرخواهی را مورد اجرای عدالت ، کنار بگذارند و چنین عواطفی را سد راه عدالت و انصاف قرار ندهند مخصوصاً جمله « فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا » کاملاً صریح است در اینکه انسان در راه اجرای عدالت ، بطور کلی باید عواطف مزاحم را زیر پا بگذارد و کاری که برخلاف فرمان عقل است انجام ندهد.

۱- قولاً بالحق و اعملاً للاجر و کوناً للظالم خصماً و للمظلوم عوناً (نهج البلاغه فیض صفحه ۹۶۸)

۲- فاتق الله و اردد الی هؤلاء القوم اموالهم ، فانك ان لم تفعل ثم امکننی الله منك لاعدرن الی الله فیک ولا ضربتک بسیفی الذی ماضرت به احدا الا دخل النار ، والله لوان الحسن و الحسین فعلا مثل الذی فعلت ما کانت لهما عندی هواء و لا ظفرا منی بارادة ، حتی آخذ الحق منهما و اذیل الباطل عن مظلمتهما ( نهج البلاغه فیض صفحه ۹۴۸)

۳- أقتنع من نفسی بان یقال امیر المؤمنین ولا اشارکهم فی مکاره الدهر و اکون لهم اسوة فی حبوبة العیش (نهج البلاغه فیض صفحه ۹۶۲)

خود امام حسن (ع) بمنظور راهنمایی و ارشاد و تربیت او نوشته است ، چنین می خوانیم :  
 در آنچه میان تو و دیگران است خودت را مقیاس قرار ده . آنچه بخود می پسندی ، بدیگران هم پسند و آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران هم پسند همانطوری که دوست نداری بتوظلم شود ، بدیگران هم ظلم مکن و همانطوری که دوست داری بتو نیکی شود ، بدیگران نیکی کن . آنچه برای دیگران زشت می شماری ، برای خودت هم زشت بشمار .

به آنچه از خودت راضی می شوی ، از مردم هم راضی شو و آنچه نمیدانی مگو . اگر چه معلومات تو کم باشد و آنچه دوست نمیداری درباره تو گفته شود ، در باره دیگران هم مگو . بدانکه خود خواهی ناصواب و آفت خرد هاست . در راه کسب معیشت خود بکوش و خزانه دار دیگران مباش و چون براه

راست هدایت شدی در برابر پروردگارت ، خدا کثر فروتنی را داشته باش ،  
 حکیمانه ترین گفتاری که برای همه انسانها - اعم از خرد و کلان - مفید می تواند بود ، همین - هاست . ما اگر « خودمان » را در همه جا مقیاس قرار دهیم و برنامه های زندگی خود را بر همین شالوده استوار سازیم و خودمان را « فَرْدَانَةُ ! » عالم خلقت نشماریم و خود را با دیگران در يك ردیف بشماریم و کودکان را نیز همینطور بار آوریم ، بر تمام مشکلات اخلاقی و فردی و اجتماعی فائق می آئیم . علی (ع) بمسأله رعایت عدالت در میان کودکان چنان اهمیت می داد که وقتی دو کودک ، خط خود را نزد امام مجتبی آوردند که بگوید : کدام بهتر است ، فرمود : « پسر م مواظب داوری خود باش . زیرا در قیامت خداوند تو را مؤاخذه خواهد کرد » (۱)

## در مجازات عجله مکن

علی (ع) فرمود:

لا تعاجل الذنب بالعقوبة واترك بينهما للعفو موضعاً تحرز به الاجر والمثوبة

« در مجازات گنهکاران عجله مکن و فرصتی برای عفو و گذشت باقی بگذار . تا از پاداش

پروردگار برخوردار شوی »

۲- یا بنی انظر کیف تحکم فان هذا حکم والله سائلک عنه يوم القيامة (تفسیر مجمع البیان ۳/ ۶۴)